

معین Z یا معین این و ر آبی _ اون و ر آبی

معین Z یا معین

این و ر آبی _ اون و ر آبی

عبور از فیلتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و اخذ مجوز برای خوانندگان راهی سخت و دشوار بنظر میرسد زیرا این مجوز به معنی معرفی "الگوی جدید" در جامعه اسلامی خواهد بود.

این مجوز خطوطی را خط کشی خواهد کرد که قرار است در جریان هویت یابی به قشری از بدنه ی جامعه تغذیه ی فکری، پوششی، انگیزشی، عاطفی، فرهنگی، شأن و منزلت ... برساند یا به عبارت بهتر سبد الگوی مصرف فرهنگی جامعه خواهد بود و میبایست امضای محکم سند سلامت هویت ایرانی-اسلامی باشد و همچنین تفکیک و شناسایی کند حد و حدود الگوها و ضد الگوها را

شایسته است مد نظر داشته باشیم تهاجم فرهنگی از درون جامعه آغاز میشود و شکل و شمایل مصرف کنندگان را تغییر میدهد، مگر الگو پذیری؛ فرایند پیروی از یک مدل عینی و راهنمای عمل در رفتار و کردار نیست... یا این تعریف تغییر کرده است یا مد نظر مسوولین نیست آیا مسوولین ذی ربط نمیدانند با این مجوز "پل عاطفی" عمیقی بین خوانندگان و هواداران شان ایجاد میشود و هر آنچه را که خواننده انجام دهد بازتابی در جامعه خواهد داشت.

استوری نیم ساعته یک خواننده همان طور که میلیون ها تومن پول جمع میکند همانطور هم بستر ناآرامی و ... را نیز فراهم خواهد کرد. این مقاله به منظور تایید خواننده خاصی نیست اما نیاز به یک مقایسه میدانی میتواند کمک کننده باشد.

معین زد خواننده پاپ نسل جوان با تیپ و استایلی جنجالی در کانادا رو استیج می رود البته لازم به ذکر نیست که مجوز رسمی از وزارتخانه مربوطه دارد و مروج تمام کمال ضد الگوها و تهاجم فرهنگی میشود در حالیکه معین خواننده بقول معروف "اون و ر آبی" که زندگی بی حاشیه ی هنری و شخصی دارد همیشه با استایلی مردانه و رسمی و موجه ظاهر شده است میشود مصداق ضد فرهنگ و با برجسب اون ور آبی مجوز برگزاری کنسرت داخلی ندارد.

علی ایحال در هر دو مورد مثالی مسوولین فرهنگی ما پاسخ مناسبی به هوادارن نمیدهند.

و در آخر شما کدام "معین" را برای الگو پذیری فرزندان مناسب

برنامه ی پروژه نویسان برانداز- فردای پیروزی خیالی

اپوزسیون و براندازی در جمهوری اسلامی را نمیشود در حد و اندازه یک "ژست انقلابی" تعریف کرد زیرا نمیشود هیچ رابطه ی معنا داری بین رفتارهایشان و ساختارهای واقعی موجود در جامعه پیدا کرد. برای ایجاد یک بستر انقلابی ادواتی لازم و شرط است که در جهت تضعیف ساختار های یک حکومت پیش رود. هر اقدامی نیازمند ریل گذاری های اولیه است تا در قامت اعتراض و بعد شورش و در نهایت منجر به پیروزی نهایی شود.

کدام انقلاب در جهان با اذهان متوهم و آلوده به انواع فسادهای اخلاقی و... به نتیجه رسیده است که براندازان جمهوری اسلامی با عریان کردن اندام های خصوصی شان در فکر نتیجه گرفتن هستند. بطور کلی نگاهی به اعتراف دستگیر شدگان بیاندارید، هیچ کدامشان حتی وجود دفاع از رفتار خودشان را ندارند و خود را "فریب خورده"، هیجانی "آنها در فضای مجازی معرفی میکنند. رفتارشان فقط و فقط کارکرد رسانه ای دارد که خروجی آن چیزی جز تیتراهای زرد و دهن پر کن غرب نیست.

در بدترین حالت ممکن در حوزه سیاست و علوم سیاسی حتی نمیشود اینها را "نهضت / جنبش" خواند چرا که هر نهضتی احتمال منتهی شدن به انقلاب را دارد. نهضت ها، پلتفرم و قوانینی دارد که *اندام نمایی* و ... در آن جایگاهی ندارد.

چه دلایلی میتوان تعریف کرد که اپوزسیون هایی مثل؛ منافقین، سلطنت طلبان، تجزیه طلبان، ... رهبر واحدی ندارند؟

گروهک هایی که از عهده ی مدیریت انسانی، جریان فکری، منابع مالی ... خودشان عاجزند و کارکردی جز تولید رفتار های تخریب گرانه ی مجازی و قتل و غارت ندارند، چطور میخواهند جریان براندازی شان را سازماندهی کنند!

مهم واقعتاً ذاتی آنهاست که ناتوان از اداره امورات تشکیلاتی خود هستند.

بیایید فرض محال بگیریم براندازی آنها نتیجه داد ! فردای پیروزی آنها چه رنگی است؟

بنظر حقیر در صورت رخ دادن این مسئله ، رنگ فردای پیروزی شان ، سرخ برنگ خون‌های خودشان است چرا که آمریکا و جیره خوارانش محال است برای این فردای خیالی ، جایگاهی جز قبرستان برایشان تعریف کرده باشند...

بدنه ی جامعه بدون آسیب باید بماند تا بازوهای کارگری ، استعمارگران باشند و این جامعه دیگر نیازی به مسیح علینژاد ، مریم رجوی ، کومله ، داعش و ... ندارد.

این دقیقاً برنامه اصلی پروژه نویسان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

حذف فیزیکی هر شخص و جماعتی که با آنها طی این چهل سال ارتباط داشتند تا دستهای پنهان همچنان پنهان بماند.

پرستو مروجی

زندان اوین

ماجرای زندان اوین بدون تردید یکی از پازل های طراحی شده اتاق فکر عاملان این اغتشاشات بود.

چرا اوین یکی از لوکیشن های این پازل بود؟
بدلیل نگهداری زندانیان سیاسی و بند امنیتی که خوراک عالی برای رسانه های غربی و براندازن است. '۱'

بی شک بستر سازی این سناریو از قبل کلید خورده بود و تیتراژ شبکه های اجتماعی اینچنین بود که : بسیاری از بازداشت شدگان را به اوین منتقل کردند..

آمادگی کامل برای موج خبری داشتند تا تیتراژ دوم را ترند کنند : حذف برخی زندانیان سیاسی توسط نظام

آماده و مسلح طبق روایات متعدد که البته روز قبل هم محسن هاشمی نوردیده ی مرحوم هاشمی و خانم عفت مرعشی به مرخصی رفت و نشون داد جاسوس دو جانبه هم از توبره خورده هم از آخور و همه چیز مهبای

ترور نافرجام و شانتاژ خبری '۲'

دشمن همون دشمن با همون و برنامه و سناریو که از اجرای آن دست بردار هم نیست.

رفتار و اعمالشان هرگز در پیچ های تاریخ سرزمینم گم نخواهد شد ، جنایاتی که بدون در نظر گرفتن هیچ اخلاق و اصول انسانی در حق مردم ایران انجام دادند.

سال ۱۳۶۰ دقیقا این عملیات را در اوین پیاده کردند و اما ماجرا چیست؟

۸ تیر ۶۰ یعنی ۱ روز بعد از انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی توسط گروهک تروریستی مجاهدین خلق با برنامه قبلی توسط کاظم افچه ای و برخی رابطین منافقین در زندان اوین و محمد رضا سعادت شیرازی اقدام به ترور اعضای هیئت دادستانی آیت الله محمدی گیلانی و سید اسدالله لاجوردی می کنند... که با اقدام به موقع شهید کجویی رئیس زندان وقت اوین پروژه ناکام می ماند و ایشان به شهادت رسیدند. از اوایل انقلاب اسلامی از اهمیت زندان اوین تا به امروز کاسته نشده است زیرا بستر مناسبی برای دامن زدن به هر ناامنی و هرج و مرج است.

تاریخ تکرار میشود...

(۱) بند ۷ اوین بنام اندرزگاه ۷ بند ارازل و اوباش میباشد و با بند ۸ که بند مخصوص زندانیان سیاسی است حدود ۲۰ متر فاصله دارد
پشت ساختمان اندرزگاه ۷ ، بند امنیتی ۲۴۰ است.

(۲) رجوع شود به مقاله "پروژه زندان اوین

سلیبریتی ها...

رفتارهای هنجار شکنانه ی جامعه سلیبرتی در این اغتشاشات اخیر یک نکته مهم را برجسته میکند ؛

" چرا این جماعت برای نمونه یکبار جامعه را بسمت هنجارهای مدنی تشویق نکردند،!" و " چرا برای بیان دیدگاه خود یا انتقاد و اعتراض ، راهِ خشونت را انتخاب کرده‌اند!"

صرف نظر از اینکه دانش تئوریک ندارند، با مداخله‌ی مستقیم در حوزه‌های تخصصی، جان و مال مردم را به خطر می‌اندازند؟

در کلیه رخدادهای سیاسی و اقتصادی در دو دهه اخیر کدام یک از این جماعت * آسیب مالی * یا * آسیب جانی * یا * آسیب روانی * دیده اند؟!

کدامشان فرزندش را به کف خیابان فرستاد که مثلاً کنار مردم باشند! اینها با ایجاد بازار سیاه ، تیمِ فریب و تظاهر تشکیل می‌دهند و رفتارهای رادیکال را برای ما و فرزندان ما می‌خواهند ، عقب‌می‌نشینند تا هم از آخور بخورند و هم از توبره.

سلیبرتی‌هایی با هویت " اسکیزوفرنیک " هر روز رنگ عوض می‌کنند تا به سهم خودشان در میدان قدرت یکه تازی کنند.

اینها نه انتقاد پذیرند و نه اهل گفتگو، به دور از بلوغ فکری با خودخواهی محض، مرگ را برای من و بچه‌ی من می‌خواهند تا به اصطلاح جامعه را اصلاح کنند و عمقِ درد و رنج درونیشان را که ماحصلِ زیاده خواهی و "خود بزرگ‌پنداری" است به کف خیابان برون ریخت کنند.

به زعم خودشان جامعه‌ی معترض را فرماندهی می‌کنند، در پناه و سایه‌ی جمهوری اسلامی، گوشی بدست به دور از آشوب و استرس به تولید دروغ با فی مشغولند.

شخصیت حقیقی و ذات آنها را در اینجا بیابید، زمانیکه مسئله کُری خوندن و خود مطرحی‌شان در بین است مع الاسف از هیچ دروغ و فحشی کوتاه نمی‌آیند و به اصطلاح " پَته‌ی هم‌رو آب میریزن " و حیا را قی می‌کنند... اما در رخدادهای سیاسی چنان هماهنگ و یکدست حرکت میکنند گویی انگشتان یک دستند. اگر همین هماهنگی و دلسوزی و گریه کردن را برای هم صنفان خود داشتند الان خیلی‌ها بیکار نبودند تا بدست فراموشی سپرده شوند.

اینها همانند که جامعه هنر و سینما را بلوکه شخصی می‌کنند و با دیکتاتوری محض کسی را به این قلمرو راه نمی‌دهند. بعد با پُر "روشنفکری دَم از آزادی و عدالت می‌زنند.

نهایتاً اینها بازوهای محرکِ اتاق فکر غرب هستند تا با مفصل سازی احساسی ، کوچکترین مسائل جامعه را به سمتِ " استادیومی سازی " پیش برند و چون طرفدارانی دارند و برای خودشان مصونیت قانونی، فرض می‌کنند که می‌توانند با یک جنجالِ سایبری مثلِ ملخک جستی بزنند. در این بزنگاه قوه قضاییه صرف نظر از مماشات و رأفت اسلامی

می‌بایست مطالبه گر به حق مردمی باشند که توسط علی دایی ها و فاطمه معتمد آریایی‌ها خسارت مالی و جانی دیده اند .
و در پایان حق آن طفل چند ماهه که از یک چشم نابینا شد را از چشماش درآورد هر چند هرگز جبران نمی‌شود یا بقولی برای آن بچه ، چشم نمی‌شود.

پرستو مروجی

مدارس؛ خانه دوم - چرایی رفتارشناسی دانش آموزان در اغتصابات ۱۴۰۱

همسر مهربان، [۰۷.۱۰.۲۲ ۱۲:۵۵]

مدارس، خونه دوم ...

پرستو مروجی

دو رویداد مهم تاریخی ، در جهان اسلام محل اندیشه و عبرت است.
هر دو پروژه ای سنگین که برای اجرایی شدن زمان طولانی و با برنامه مستمر صورت گرفت.

یک : پروژه آندلس که بنده آنرا اینطور تعریف می کنم ؛

اسلام یعنی آغاز "تمدن سازی"

و هر جا تمدن اسلامی در حال شکل گیری بود و هست غرب برنامه مدون و ابزاری از پیش تعیین شده داشت و دارد که مهترین آن "تهاجم فرهنگی" و رخنه در تار و پود جامعه مسلمانان بود و هست .
شهید مطهری عامل سقوط آندلس را (فساد ، تباهی فکری ، شهوت ، ...) می‌دانستند پس می‌شود گفت: یک رشته عوامل فساد درونی و از هم گسیختگی فرهنگی زمینه های سقوط یک تمدن را ایجاد می کند. که دو حالت بیشتر ندارد یا با زور و جنگ مثل آندلس و نیجریه یا جنگ نرم و بی سر و صدا مثل امارات متحده عربی که بدون جنگ و خونریزی آندلسیزه شد.

ایران هم بعد از انقلاب اسلامی در دستور کار غرب قرار گرفت.

□ دو : اسلام ترکیه ای که نیاز به توضیح آنچنانی ندارد . برنامه ای که غرب برای ایران و ترکیه چیده بود عادی سازی در همه ابعاد جامعه، که مصداق امروزی آن ؛ دلت پاک باشه خدا به نماز ما احتیاج نداره ...

برنامه اسلام ایرانی و ترکیه ای که رضا خان ناتوان در اجرائش شد اما آتاتورک موفق عمل کرد.

اینها مقدماتی بود برای اصل مقاله تا بگویم : دانش آموزان بخصوص در دهه اخیر در دستور کار آندلسیزه کردن ایران قرار گرفته اند. با اجرای سند بیست سی ۲۰۳۰ شاهد تخریب ریزساخت های فرهنگی در قشر نوجوانان بودیم...

ورود آهنگ های ساسی مانکن و خوندن گروهی (آقامون جنتلمنه...) و برخورد شدید رسانه های غربی با سلام فرمانده

نوجوانانی که بخاطر شرایط سنی شون شناختی از خودشون و جامعه ندارند را وارد بازی کثیف سیاست کرده اند و با پمپاژ هیجان و احساسات کاذب زندگی آنها را به خودکشی فحشا ناهنجاری می کشانند. این بچه ها محصول والدینی هستند که ده سال قبل تحت عملیات روانی رسانه ای دچار وازدگی مذهبی شده اند و نظارت غیر مستقیم و کنار بچه هاشون بودن و گرم کردن کانون خانواده را جایگزین قلیان کشیدن و سگ بازی و عضو گروه های تلگرامی... کردند

و در نهایت وزیر آموزش و پرورش میبایست دست بجمباند و با تصویب قوانین ایجابی و سلبی برای مدارس ، قطع ید کند تا دشمنان کمتر با روح و روان و زندگی این دلبندان پاک سرشت سرزمین مان بازی کنند.

قانون سقط جنین در آمریکا

تن / حق من

#پرستو_مروجی

دیوان عالی آمریکا بعد از پنجاه سال قانون ممنوعیت سقط جنین را لغو کرد و وضعیت را به قبل بازگرداند. طوری که دولت آمریکا با اعتراضات گسترده ای مواجه شده است. چند دستگی و منسجم نبودن گروه های شرکت کننده در تظاهرات مانعی

اساسی در تصمیمات خیابانی است. کاتولیک‌ها که سالهاست از فعالان ضد سقط جنین هستند با نگاهی دینی و رحمانی از این قانون حمایت میکنند. حامیان حقوق کودک هم جانی تازه گرفته و از کیان انسان‌هایی که از حق حیات محروم میشوند دفاع میکنند.

بنظر میرسد مابقی تماماً مخالفانی هستند که تظاهرات خیابانی را پوشش میدهند.

در جامعه‌ای مثل آمریکا هر دو گروه، منفعت‌طلبانی‌اند که از هر گونه اعتراض سود میجویند.

اما معترضین حقیقی چه کسانی‌اند؟ عموماً زنان سیاه‌پوست که جز قشر ضعیف و بی‌پناه جامعه تعریف میشوند که به سقط جنین ناچارند این گروه تنها واقعیت تظاهرات خیابانی هستند که تنها قربانیان تجاوز، رابطه غیر متعارف، خارج از چارچوب می‌باشند، اینها در کنار بزرگترین قاچاق چیان جنسی قرار گرفته‌اند تا از قلدری و زور آنها، چیزی نصیبشان شود.

تصویب قانون سقط جنین را از دو منظر بررسی میکنم؛ یک؛ گروه عوام که نگران جیب و روابط شخصی‌شان هستند که کارشناسان جامعه‌شناسی آمریکایی پیش‌بینی کرده‌اند در آینده ممکن است قوانین بر علیه «دگرباشان» جنسی تصویب شود. و نگرانی حامیان «حق انتخاب» آنها را به کف خیابان‌ها کشانده است. دو؛ این قانون صرفاً یک تصمیم سیاسی است نه در چارچوب مسائل حقوقی

دعواهای سیاسی بین دو جناح دموکرات‌ها که نتیجه انتخابات به نفع آنها رقم خورد و «بایدن» خسته از سیاست را بر روی کرسی ریاست اجباراً نشانده.

و جناح جمهوری خواه که برگ برنده آنها، «ترامپ» شکست خورده است. اکنون جامعه آمریکا عملاً دچار گروگانگیری حزبی است همه این تظاهرات، سر و صداها، تنش‌های خیابانی... پوسته‌ظاهری است که توسط جمهوری خواهان راه افتاد تا با شانتاژ کردن مردم عامی با شعار «تن من / حق من» دموکرات‌ها را عقیم کنند.

در حوزه سیاست، حذف رقیب تازگی ندارد و تنها قربانیان اصلی مردمی هستند که ناخواسته وارد دعواهای سیاسی میشوند، بی‌مزد و توقع پادوهای کله‌گندها میشوند اما سودی عایدشان نمیشود هیچ ... مجرم هم شناخته می‌شوند ...

ترور صیاد خدایی

مشتِ پوچ

✍️ #پرستو_مروجی

در ابتدا قبل از ارائه تحلیل ، علت ترور را از عاملین اصلی بدانیم

بدنبال بیان علت اصلی از عاملین نباشید زیرا در حوزه امنیت اطلاعات هدف را فاش کردن نشت اطلاعاتی کندو محسوب خواهد شد و بنوعی مشتِ پُر باز نخواهد شد تا گره های بیشتری کور شود.

بعد از انجام هر عملیات ، تروریست ها ابتدا توسط رسانه های وابسته غربی و ساده اندیشان داخلی مشتِ پوچ را باز میکنند تا با گل آلود کردن فضا ، بتوانند طوفان تناقض گویی به راه بیاندازند و ترور دوم را که همان « بی فکری حسی » است در جامعه هدف شلیک کنند.

علت های ترور :

شبکه 13 تلویزیون اسرائیل هم مدعی شد فرد ترور شده مسئول انتقال فناوری موشک های پیشرفته و دقیق به حزب الله بوده است.

اینتل تایمز : مسوول یکی از واحد های تهاجمی نیروی قدس بوده است.

فرد ترور شده در تهران احتمالاً در فعالیتهای پهلادی مشارکت داشته است(!)، همچنین احتمالاً عضو واحد 840، یگان اصلی فعال در سوریه بوده است.

...

با توجه به عناوین مطرح شده یک تغییر کلی را در خط فکری صهیونیست ها شاهد هستیم عمده فعالیت های تروریستی سازمان دهی شده آنها مسائل هسته ای ایران بوده است و با شهادت صیاد خدایی ، استراتژی جغرافیایی شان از نطنز و فوردو و اراک به سوریه سویچ شده است.

□ مذاکراتِ بی هسته ...

یادآوری تاریخی لازم است تا عمقِ بیهودگی مذاکرات و بلاتکلیفی ملت ، درک شود.

از سال هشتاد و دو طبل مذاکرات نواخته شد. یعنی هجده سال ، بدون کوچکترین تغییر و تاثیری در روابط بین الملل و سفره ی ایرانی ها . هجده سال معطلی بی وقفه و سر کار گذاشتنِ و فرصت سوزی بزرگ اگر جوانی در ابتدای مذاکرات بیست و دو ساله بوده و در اوج انگیزه و آینده ای روشن .. او امروز چهل سالگی اش را پشت سر گذاشته و فصل جوانیش سپری شده است...

■ نتیجه این سالها « دیپلماسی غلط » بدون آینده ای روشن است .
■ اکثریت مردم به این فهم مشترک رسیده اند اما این مسوولان هستند که خود را به خواب زده اند و خیال بیدار شدن، ندارند.
■ موضوع اصلی #مذاکرات_هسته_ای از ابتدا تا امروز هرگز هرگز رفع #تحریم ها علیه ایران نبوده است ، نمیشود اسمش را مذاکرات گذاشت زیرا آنها در مقام قاضی هستند و ایران در جایگاه متهم ، آنها می پرسند و ما باید پاسخ دهیم تا مثلا رفع اتهام صورت گیرد.
■ طی این هجده سال نتوانستیم اثبات کنیم برنامه هسته ای ما « صلح آمیز » است . این یعنی دست و پای بیخودی زدن که نتیجه ای جز بیشتر فرو رفتن نیست.

■ آنها از ابتدا مدعی شدند « ایران در حال ساخت بمب اتمی است » و ما از ابتدا با دیپلماسی اشتباه فقط پاسخ دادیم تا جایکه دشمن موفق شد در آب سنگین اراک بتن بریزد و شیخ حسن میلیاردها هزینه را یک شبه به باد داد و کلی از هموطن های ما بیکار شدند، درحالیکه صاحب زن و بچه بودند.

■ دیپلماسی غلط اساسا به همین شکل مدیریت میشود ، « امتیاز دادن به دشمن تا دست از سر ما بردارند» آیا امتیازی بالاتر از آب سنگین اراک سراغ دارید؟!

■ تمامی اینها بهانه ایست که ما را در خود خفه کنند تا بتوانند دکه مهار ایران را بدست بگیرند.

■ انرژی هسته ای نه تنها حقِ ملت ایران است بلکه حقِ تمامی مردم دنیاست. « یک بام و دو هوا بودن » مصداقش اینجاست که آمریکا میتواند داشته باشد ما بقی نمیتوانند.

■ دولتمردان دست از برجام بردارند و تمرکز خود را روی توانمندی های داخلی و جوانان بگذارند و نتیجه را مشاهده کنند. بنای مذاکرات غلط در شرایط فعلی کاملا مشهود است .

پاسخی برایش ندارم وقتی در تاریخ ثبت شد « آمریکا برجام را پاره کرد » اما ایران دست بردار نیست.

■ و در آخر عرض کنم : برجام اسمِ بزرگ شده ی « خود تحریمی » است.

#برجام را آوردند تا وسیله ای باشد برای کوبیدن بر سر جوانان و شرایط عدم رشد و پیشرفت را مهیا کردن.

برجام خروجی ایدیولوژی لیبرالیسم با چاشنی سکولار است.

والسلام

✍ #پرستو_مروجی

چرایی جهاد تبیین

□ جهاد تبیین
✍ پرستو مروجی

چرایی جهاد تبیین و ضرورت آن در یک جمله خلاصه میشود « آغاز تحولی بنیادین از جهتِ کمیت(مقدار) و کیفیت (شیوه) متمایز از حرکت های قبل »

جهاد تبیین چراغ قرمزی برای ایست است ، تا در هنگام توقف ، بازنگری به کارنامه ۴۳ ساله انقلاب اسلامی شود، طبیعی است که از مرز هشدار عبور کرده ایم و نباید مثل سابق عمل کرد بلکه بصورت جهادی و انقلابی حقایق را کشف و سپس با تاکتیک روز بیان کرد.

وقت آن رسیده است که بپذیریم مردم بیش از ۴۰ سال در آماج حملات رسانه ای دشمن و افکار عمومی تحت تأثیر جنگ شناختی و ادارکی و عملیات روانی قرار دارند.

ضرورت آن با نگاهی به جامعه بیشتر حس میشود جامعه ای که مدام در جریانِ تحریف، غبارآلود شده است. و ملت را از ایجاد تمدن نوین اسلامی که از آرمانهای انقلاب بود با سیاه نمایی های غلط دور کرده است.

در این بین ناچارا باید از دشمن های داخلی و ساده لوحان با عناوینی همچون: مسوولین ، روحانیت، جامعه دانشگاهی، هنرمندان... یاد کرد که در موج های نادرست رسانه های غرب بنوعی در زمین آنها بازی کردند و زمینه ساز یک بستر خطرناک شدند که آن « فاصله بین مردم و مسئولان بود » .

باید های جهاد تبیین

رسانه باید مسلح شود با رویکرد جدید تا بتواند خلأ های موجود را مرتفع کند.

عملیاتی شدن در راستای مقابله با اغواگری رسانه های غربی آموزش به بدنه جامعه تا دوست و دشمن را بتوانند تمییز دهند. شیوه دشمن در این ۴ دهه به حاشیه بردن مطالبات حقیقی مردم ، و برون ریختن و عرض اندام مشتی لات و لوت با چاشنی طنز و هرزگی کلامی در شبکه های اجتماعی ... بوده است. و در پایان این واژه مهم که چندی است در بیانات رهبر انقلاب می شنویم ، ارتقاء تاکتیک های رسانه ای با افزایش بینش و دانش با اضافه آمادگی کامل برای ورود به جنگ رسانه ای می باشد.

راز ماندگاری شهید بهشتی و شهید رجایی

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2022/01/video_2022-01-16_11-32-28.mp4